



University of Tabriz

Iranian Islamic Period History

Online ISSN: 2717-2902

Volum: 15 Issue: 38
Spring 2024

Pages: 63-87

Article Type: Research Article

DOI: 10.22034/JIIPH.2023.56816.2438

Received: 2023/05/27

Received in revised form: 2023/10/02

Accepted: 2023/10/16

Published: 2024/03/30

Investigating Distortion Factors in Oral Memories (Based on the Published Works of Oral Memoirs in Gilan, 1390-1400)

Mohammad Porhelm Bijarpasi¹ | Mohammadreza Shadmanamin² | Alimohammad Moazzeni³ | Jahandoost Sabzalipour⁴

Abstract

Oral memories are one of the ways to access past events. However, sometimes narrators of memory, media, power, etc. change the events in their favor. According to this research, the distortion of oral memories is done in both individual and non-individual ways. In the individual part, including personal ideas, exaggerating or understating events, selectively expressing and hiding some memories, aging, and forgetting may distort the narration. In the non-individual part, directing collective memories to unreality, forbidden subjects and topics, supporting special events, changing the context of society, and beautifying memories with the mechanism of literature are some of the factors distorting oral memories, which have been analyzed based on the books published in Guilan between 2012 and 2021. The authors are looking for an answer to this question: What factors cause memory distortion? The research findings show that since the activists and eyewitnesses of the events form their narrations based on expediency, interests, ideology, etc., we often witness different narrations of the same events. These differences can damage the credibility of the narration. Also, those in power and the media try to redefine the events in their favor. Therefore, to reach speeches close to reality, in addition to benefiting from multiple narrations, verification, and validation, the use of archival documents can also play an important role in the representation of memories.

Keywords: Oral memories, interview, truth discovery, distortion, Guilan.

1. Ph.D Candidate in Islamic Azad University, Khalkhal Branch, Iran

mvareh54@gmail.com

2. Assistant Professor of Islamic Azad University, Khalkhal Branch, Iran (corresponding author)

mr.shadmanamin@gmail.com

3. Professor, University of Tehran, Iran

moazzeni@ut.ac.ir

4. Associate Professor of Islamic Azad University, Rasht Branch

sabzalipor@gmail.com



بررسی عوامل تحریف در خاطرات شفاهی

(با تکیه بر آثار منتشر شده خاطرات شفاهی در گیلان، ۱۳۹۰-۱۴۰۰)

محمد پر حلم بجاریسی^۱ | محمدرضا شادمنامین^۲ | علی محمد موذنی^۳ | جهان دوست سبزی پور^۴

چکیده

خاطرات شفاهی یکی از راه‌های دسترسی به رخدادهای گذشته است، اما گاهی روایان خاطره، اصحاب رسانه و قدرت و... وقایع را به نفع خود تغییر می‌دهند. براساس این پژوهش، تحریف خاطرات شفاهی به دو صورت فردی و غیرفردی انجام می‌شود. در بخش فردی، گنجاندن تصورات شخصی، مبالغه یا کم‌رنگ کردن رخدادهای ابراز گزینشی و کتمان برخی خاطرات، پیری و فراموشی، ممکن است تحریف در روایت را رقم بزند. در بخش غیرفردی هدایت خاطرات جمعی به امر غیرواقع، سوژه‌ها و موضوعات ممنوعه، حمایت از واقعه‌نگاری‌های خاص، تغییر زمینه و بافت جامعه و زیباسازی در خاطره با سازوکار ادبیات برخی از عوامل تحریف خاطرات شفاهی هستند که با تکیه بر کتاب‌های منتشر شده در گیلان در بین سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نگارندگان در پی پاسخ به این پرسش‌اند که، چه عواملی موجب تحریف خاطره می‌شود؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد: از آنجاکه کنش‌گران و شاهدان عینی رویدادها، روایتشان براساس مصلحت، منافع، طرز تفکر و... شکل می‌گیرد، اغلب شاهد روایت‌هایی متفاوت از رویدادها هستیم. این تفاوت‌ها می‌تواند به اعتبار روایت خدشه وارد کند. همچنین صاحبان قدرت و رسانه تلاش می‌کنند رخدادهای را به نفع خویش بازتعریف کنند. از این‌رو برای رسیدن به گفتارهای نزدیک به واقعیت، علاوه بر بهره‌مندی از روایت‌های متعدد، راستی‌آزمایی و اعتبارسنجی، استفاده از اسناد آرشیوی نیز می‌تواند نقش مهمی در بازنمایی خاطرات ایفا کند. روش تحقیق در این پژوهش، روش تاریخی به شیوه توصیفی تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها: خاطرات شفاهی، مصاحبه، کشف حقیقت، تحریف، گیلان.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های ثبت رخداد از گذشته، بازنویسی وقایع است که «در ایران پشتوانه ادبی، روایی، تاریخی دارد. در نقالی، در روایت‌گری، در مقتل‌خوانی، در تذکره‌نگاری و مقامه‌پردازی و حکایت‌گویی و حسب‌الحال‌نگاری، حدیث، خطابه و خطبه و امثال آن» (کمری، ۱۳۹۴: ۵۲)، با این حال در عصر نوین به جهت تنوع داده‌های اجتماعی، رسانه‌ای و سایر ابزارهای انتقال خبر، از خاطره به‌عنوان یکی از منابع تاریخ‌نگاری یاد می‌شود، اما خاطره و تاریخ شفاهی «نوعی شیوه جمع‌آوری و آماده‌سازی اطلاعات تاریخی است از طریق ضبط مصاحبه با شرکت‌کنندگان در رویدادهای تاریخی» (نیک‌نفس، ۱۳۸۳: ۴) و یا به‌عبارتی علم به‌کارگیری ثبت اطلاعات عموم مردم و برداشت‌های آن‌ها از یک رویداد است و شاید «چیزی فراتر از ثبت اطلاعات جدید است، چون تمام آنچه را که مشتاقان در احوال گذشتگان به‌دنبالش می‌گردند در تاریخ شفاهی هست» (کونیلن و باربارا دلبیو، ۱۳۹۲: ۱۸). با وجود تمام ویژگی‌های مثبت خاطره باید به‌یاد داشته باشیم که هر پدیده تاریخی می‌تواند دچار تحریف شود و پژوهش‌گران و مورخان باید برای رسیدن به روایت‌های منطبق بر حقایق تاریخی تلاش کنند. در تاریخ معاصر ایران حجم بسیار بالایی از فیلم، مصاحبه و خبرهای تاریخی وجود دارد که در صورت دسترسی مورخ به این داده‌ها، برخی از وقایع مهم تاریخی می‌تواند مورد بازننگری و بازنویسی قرار گیرد.

دو واقعه مهم و تأثیرگذار بر تاریخ معاصر ایران، وقوع انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق است. نحوه بازگویی از این دو واقعه تأثیرگذار، بسیار متفاوت است. زیرا منابع رسمی و غیررسمی روایت‌های گوناگونی از آن ارائه می‌کنند. از این‌رو در چند دهه اخیر خاطره‌نگاری در ایران با حمایت برخی دستگاه‌های دولتی و نهادها برای ثبت و ضبط رخداد‌های جنگ ایران و عراق، پیروزی انقلاب اسلامی و... آغاز شد. یکی از اهداف خاطرات شفاهی کشف حقیقت است و اگر همه عوامل تولیدکننده خاطرات شفاهی در راستای این هدف گام بردارند تا حدودی به حقیقت نزدیک می‌شویم، اما اگر از سوی خاطره‌مندان، پژوهش‌گران، دستگاه‌های حمایت‌کننده و... در بازگویی رخداد دخل و تصرف صورت گیرد، بخشی از تاریخ به سمت تحریف خواهد رفت. در این مقاله تلاش می‌شود تا به عوامل تحریف در خاطرات

شفاهی پرداخته شود. با توجه به موضوع پژوهش، نگارنده در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است؛ چه عواملی به تحریف خاطرات شفاهی دامن می‌زند؟ همچنین در ادامه این پرسش مطرح می‌شود: آیا صاحبان قدرت در بازمهندسی روایت‌ها نقش ایفا می‌کنند؟ با توجه به عدم دسترسی به منابع قابل اعتماد درباره تحولات سیاسی و اجتماعی سال‌های اخیر و میزان تأثیرگذاری آن‌ها بر تحولات جاری، به نظر می‌رسد خاطرات شفاهی با وجود اهمیتی که در نقل روایت‌های گوناگون دارند، همواره بر مدار منافع راوی قرار دارند. از این رو در استناد به خاطرات شفاهی باید با احتیاط برخورد کرد. همچنان که در تاریخ نیز ممکن است برخی اسناد بر مدار منافع صاحبان قدرت تنظیم شده باشند. البته «مورخ شفاهی امکان این را دارد که هر جا خواستار اطلاعات بیشتری باشد، از خود منبع پرس‌وجو کند» (نورایی، ۱۳۸۵: ۱۵۸). ولی در تاریخ این امکان در دسترس نیست.

لازم به ذکر است تمامی آثاری که در این مقاله بررسی شده‌اند، بین سال‌های ۱۳۹۱ تا سال ۱۴۰۰ با موضوع انقلاب اسلامی، جنگ بین ایران و عراق و زندگی هنرمندان استان گیلان منتشر شده‌اند و گروه تاریخ شفاهی حوزه هنری گیلان که اعضای آن عضو هیئت علمی دانشگاه و پژوهش‌گران استان هستند، در سال ۱۴۰۱ این آثار را به‌عنوان مهم‌ترین آثار تاریخ شفاهی در دهه ۱۳۹۰ در گیلان معرفی کرده‌اند (نک: حسینی، ۱۴۰۲: ۱۸).

پیشینه تحقیق

خاطرات شفاهی و تاریخ شفاهی اگرچه باهم تفاوت‌هایی دارند، اما شباهت‌های این دو پدیده نیز بسیار است. این دو پدیده چند دهه‌ای است که در ایران مورد توجه پژوهش‌گران قرار گرفته‌اند. مهم‌ترین پروژه در این زمینه، تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد است که در آن با بیش از ۱۴۰ نفر از بازماندگان عصر پهلوی که مهم‌ترین کنش‌گران این دوره بوده‌اند، مصاحبه شده‌است. در ایران نیز بنیادها و مؤسسات خصوصی و دولتی برای اهداف موردنظر خود، فعالیت‌های متعددی را در زمینه ثبت خاطرات به انجام رسانده‌اند. علاوه بر این، برگزاری سمینارها و پژوهش‌های مستقل نیز نشان‌دهنده اهمیت خاطرات شفاهی در مطالعات تاریخ معاصر ایران است. از مهم‌ترین پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام

شده‌است، می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

۱. *پرسمان یاد* (کمری، ۱۳۹۴)، این کتاب در ۱۵ بخش تنظیم شده‌است و برخی از فعالان ادب پایداری، مهم‌ترین آسیب‌ها و پرسش‌هایی را که پیرامون خاطره‌نگاری و تاریخ شفاهی با آن روبه‌رو بوده‌اند، از علی‌رضا کمری پرسیده‌اند و ایشان مبسوط به این پرسش‌ها پاسخ گفته‌است.
۲. *پویه پایداری* (کمری، ۱۳۹۷) مجموعه‌مقالات مرتضی سرهنگی، هدایت‌الله بهبودی و علی‌رضا کمری است که در آن به خاطره و خاطره‌نگاری و در فرازهایی به دخل و تصرف در خاطرات شفاهی پرداخته شده‌است.
۳. *تاریخ شفاهی دفاع مقدس* (عزیزی، ۱۳۹۰) مجموعه‌مقالات ۳۶ تن از پژوهش‌گران پیرامون خاطره‌نگاری و تاریخ شفاهی دفاع مقدس است که به مصاحبه، تدوین و ... در تاریخ شفاهی پرداخته و آثار متعددی را نقد و بررسی کرده‌است که برخی از مقالات آن به تحریف خاطره پرداخته‌اند.
۴. *خاطره و گفتمان جنگ* (وینتر و سیوان، ۱۳۸۷) ترجمه فرهاد ساسانی از معدود آثار ترجمه خارجی است که با پنج مقاله به عوامل دگردیسی خاطره پرداخته و برخی از دلایل علمی آن را ذکر کرده‌است. از دیگر آثاری که در آن با نگاهی آسیب‌شناسانه به خاطره و تاریخ شفاهی پرداخته شده‌است، می‌توان به کتاب‌ها و مقالات زیر اشاره کرد:
۵. «خاک و خاطره» احمد دهقان (۱۳۸۹)
۶. «یادنگاران» مجموعه گفت‌وگو با خاطره‌نویسان دفاع مقدس به همت معزز پرنیان (۱۳۸۵)
۷. «مقایسه تحلیلی خاطره‌نگاری با تاریخ شفاهی» نوشته مرتضی نورایی و مهدی ابوالحسنی ترقی (۱۳۸۹)

براساس بررسی نگارندگان در مورد عوامل تحریف خاطره و تاریخ شفاهی در قالب کتاب

و مقاله در ایران تاکنون اثر مستقلی منتشر نشده‌است، اما در کتاب‌ها و مقالات یادشده به این پدیده ذیل اعتبار روایت، راستی‌آزمایی، آسیب‌شناسی خاطره و ... پرداخته شده‌است. رویکرد نگارندگان به این موضوع گردآوری حداکثری عوامل تحریف خاطره با تکیه بر آثار منتشرشده در گیلان است تا راه دسترسی به روایت‌های معتبر و سره از ناسره تاریخی راحت‌تر امکان‌پذیر باشد.

۱. تحریف خاطرات

خاطره از آن دست پدیده‌هایی است که تحت تأثیر عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... مرتب در حال تغییر است. قریب‌به‌اتفاق آدم‌ها هر بار که خاطره‌ای را تعریف می‌کنند صورتی جدید از آن را جان می‌بخشند. حتی خوش‌حافظه‌ترین انسان‌ها نیز قادر نیستند یک خاطره و رخداد را بدون تغییر، بازتعریف کنند. پس تغییر در بازتعریف خاطره، جزء ذات آن است، اما وقتی به دلایل مختلف این تغییرات، تعمدی انجام شود، از جمله برای میرا دانستن خود و دیگران از خطاها و ... ممکن است که بنیاد خاطره تهدید شود تا جایی که با پدیده‌ای به نام تحریف روبه‌رو می‌شویم. البته مصاحبه‌گر آگاه با تسلطی که بر رویدادها دارد، همچنین رجوع به روایت‌های دیگر، اسناد و ... می‌تواند این بازروایی را به واقعیت نزدیک کند، اما آنچه اکنون به‌عنوان خاطرات شفاهی در گیلان، در حال انتشار است، کمتر از صافی راستی‌آزمایی و اعتبارسنجی می‌گذرد. تحریف در لغت، یعنی تفسیر سخن برخلاف مقصود، یعنی کج کردن و گرداندن سخن از معنای اصلی. و در تاریخ شاید بیش از سایر پدیده‌ها تحریف اتفاق می‌افتد. پژوهش‌گران معتقدند در بازسازی تاریخ از طریق جمع‌آوری روایت‌های گروه‌های مختلف مردم «طیفی از واقعیت‌ها تا حدیث نفس و افسانه‌سرایی و داستان‌گویی وجود دارد» (تاج‌آبادی و مرادی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۴۹). تحریف خاطره به شکل‌های مختلف صورت می‌گیرد، «چراکه تأثیر تمایلات، اغراض شخصی، وابستگی حزبی، سیاسی و ... هر یک به‌نوعی بر محتوا و سمت‌وسوی محتوا اثرگذار خواهد بود (شیرالی و شیخ‌نوری، ۱۳۹۷: ۱۲۶). در این مقاله با تکیه بر کتاب‌های خاطرات شفاهی استان گیلان به دو دسته از این تحریف‌ها پرداخته می‌شود که در دسته نخست، راوی نقش تعیین‌کننده در تحریف دارد و در دسته دوم، عواملی به‌غیر از راویان از جمله نگارندگان، اصحاب قدرت، تغییرات

اجتماعی، سیاسی و... در آن نقش بیشتری ایفا می‌کنند. البته نباید از نظر دور داشت که در تحریفات فردی و غیرفردی هم‌پوشانی‌هایی وجود دارد که در اینجا براساس تعیین‌کنندگی بیشتر نقش‌ها- راوی یا سایر عوامل- دسته‌بندی صورت گرفته‌است.

۱-۱. تحریفات فردی

در این نوع از تحریف نقش اصلی را در به انحراف کشیدن خاطره، فرد صاحب خاطره ایفا می‌کند و عوامل بیرونی تأثیر کمتری بر روی تغییر ماهیت و بازگویی و بازنویسی خاطره ایفا می‌کنند. برخی از مهم‌ترین عوامل تحریفات فردی به‌قرار زیر است:

۱-۱-۱. ورود تصورات شخصی به خاطره، مبالغه یا کم‌رنگ کردن رخدادها

گاهی ذهن انسان در طول زمان چنان واقعیت را تغییر می‌دهد که رویداد اصلی فراموش، و روایت برساخته ذهنی، جایگزین آن می‌شود. به همین خاطر است که تصورات شخصی پا به حیطة تاریخ می‌گذارد و به وقایع تاریخی رنگ و بوی غیرواقعی می‌بخشد (نیک‌نفس، ۱۳۸۳: ۵). یک پژوهنده آگاه باید همواره مواظب این‌گونه تصورات باشد، و با دانسته‌های خویش و پرسش‌هایی که از راوی می‌پرسد او را به سمت بازگویی دقیق خاطرات سوق دهد. در رخدادهای بیست‌وسوم مهر ۱۳۵۸ انزلی که منجر به آشوب در شهر و به آتش کشیده شدن سپاه انزلی و کشته شدن تعدادی از مردم و نیروهای سپاه شد، پنج نفر از پاسداران که خاطرات آن‌ها ثبت شده‌است، مدعی شدند که هنگام ترک سپاه، سوزن سلاح‌های باقی‌مانده در ساختمان سپاه را درآوردند تا سلاح‌ها برای آشوبگران قابل‌استفاده نباشد (فیاضی، ۱۳۹۹). بی‌شک با توجه به اندک بودن سلاح‌ها چنین ادعایی از همه آن افراد پذیرفته نیست و احتمالاً برای پررنگ کردن نقش خود چنین ادعایی کرده‌اند.

همچنین معمولاً شخصیت‌هایی که در سمت‌وسوی بازندگان سیاسی یک ماجرا هستند، تلاش می‌کنند در بازگویی یک واقعه نقش کم‌رنگ‌تری از آنچه در واقعیت رخ داده، برای خود قائل باشند و در مواقعی دیگر ممکن است در کیفیت وقوع رخداد، مبالغه کنند. به همین خاطر «گاهی برخی از مصاحبه‌شوندگان می‌کوشند نقش خود را در واقعه‌ای، پررنگ‌تر یا کم‌رنگ‌تر نشان دهند (عزیزی، ۱۳۸۹: ۲۵۹). حسین اصلانی در کتاب دوباره می‌نوازم

(برنجی، ۱۳۹۵) زمانی که دربارهٔ عضویت خود در حزب توده سخن می‌گوید، این عضویت را اتفاقی و از روی کنجکاوی و ناآگاهانه جلوه می‌دهد. یا قریب‌به‌اتفاق کسانی که در حکومت پهلوی ارتباطی با منابع قدرت داشتند، تلاش می‌کنند این ارتباط را پنهان کنند یا آن را کم‌رنگ جلوه بدهند.

یکی از آسیب‌هایی که به خاطره‌نگاری وارد است، سر سپردن به ذهن و صداقت راویان است تا جایی که در بسیاری از کتاب‌های خاطرات، برخی از چالش‌های موجود هرگز برای مصاحبه‌گر چالش نبوده‌است. از همین رو، روایت واحدی از برخی رویدادها وجود دارد. «هرچه این اطلاعات از روایتی واحد باشد و امکان سنجش اطلاعات به‌دست‌آمده از طریق نقد بیرونی ممکن نباشد از اعتبار این اطلاعات کاسته خواهد شد... در این صورت باید از طریق نقد درونی مطالب، و سنجش سایر اطلاعات به‌دست‌آمده در مصاحبه با دیگر منابع کوشید تا شاید بتوان سره را از ناسره جدا ساخت (عزیزی، ۱۳۹۰: ۲۵۸).

در کتاب حسن ژبیاد راوی می‌گوید: دو، سه ماه پس از پیروزی انقلاب تیمسار موحدی که از سران ساواک کشور بود در جادهٔ شفت به امامزاده ابراهیم با تعدادی تفنگدار منطقه را فرقی کرده، و ایشان به‌عنوان یک نیروی انقلابی به دستور آقای احسانبخش که رئیس کمیتهٔ انقلاب رشت بودند به منطقه موردنظر رفته و تیمسار موحدی و نزدیکانش را دستگیر و تحویل داده‌است (نک: فیاضی، ۱۳۹۷: ۵۵-۶۰). این یک روایت واحد است و هیچ یک از کسانی که انقلاب در گیلان را درک کرده، از دستگیری چنین شخصی که اصلیتی گیلانی داشت، سخنی به میان نیاورده‌اند. اگر نگارنده به کتاب خاطرات صادق، خاطرات آیت‌الله صادق احسانبخش (۱۳۸۸) مراجعه می‌کرد متوجه می‌شد در این کتاب سخنی از دستگیری تیمسار موحدی به میان نیامده‌است و در عوض از شخص مجهول‌الهویه‌ای در همان منطقه صحبت شده‌است که با گردآوری عده‌ای، مسلحانه به اموال مردم دستبرد می‌زدند که به دستور احسانبخش، توسط نیروهای انقلابی دستگیر شده‌اند.

یکی از راه‌های جلوگیری از تحریف خاطرات راستی‌آزمایی و اعتبارسنجی ادعای راویان است که متأسفانه کمتر در خاطرات شفاهی شاهد آن هستیم و مصاحبه‌گران در این زمینه وظایف خود را به‌درستی به انجام نمی‌رسانند.

۱-۲-۱. ابراز گزینشی خاطرات

انسان‌ها قادر به یادآوری همه آنچه بر آن‌ها گذشته‌است، نیستند، اما هنگام بازگویی رخدادهای زندگی‌شان، دست به گزینش هم می‌زنند و برخی رخدادهای را بازگو نمی‌کنند. «در بازگویی خاطره‌ها برخی از عناصر ما جدا برجسته می‌شوند. روانشناسان این جنبه‌ها را جنبه‌های اولویت‌دار می‌نامند» (وینتنر و سیوان، ۱۳۸۷: ۶۳). علاوه‌براین هر فرد با توجه به اعتقادات، مرام و مسلک و نگاهی که به زندگی و جهان پیرامون دارد، به ساختمان خاطره در ذهن خود شکل می‌دهد. دیدگاه‌های فردی، قوه ادراک انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و گاهی موجب می‌شود که خاطره بیان‌شده، به صورت گزینشی ابراز شود. این نوع جهت‌گیری را افراد با هر نوع پیشینه سیاسی یا اعتقادی اعمال می‌کنند (نیک‌نفس، ۱۳۸۳: ۶) که به خودی‌خود، ایرادی بر آن وارد نیست، اما انسان چون همواره در پی منفعت خویش است در بیان رخدادهای گذشته نیز از این سود و زیان تهی نیست و تلاش می‌کند تصویری مثبت از خود و اعمال خود به نمایش بگذارد و چه‌بسا برخی از نامالایمات را روایت نکند و یا در بازآفرینی رخداد در آن دخل و تصرف کند. به همین خاطر قریب‌به‌اتفاق کتاب‌هایی که در حیطه خاطرات شفاهی منتشر می‌شوند از روای چهره‌ای مثبت، دوست‌داشتنی و جذاب ارائه می‌دهند، درحالی‌که اگر در برخی از رخدادهای تاریخی دقیق شویم و روایت‌های دیگران از یک رویداد را پیش بکشیم، ورق برمی‌گردد. در کتاب سال‌های خاکستری، هوشنگ منتصری که خواهرزاده دکتر رضا رادمنش دبیرکل حزب توده ایران است و خود نیز در حزب توده عضویت داشت، جزئیات وابستگی خود را به حزب توده بیان می‌کند (امیری، ۱۳۹۴: ۴۱)، همچنین در سال‌هایی که به‌عنوان رئیس دانشگاه تبریز، معاونت دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف) و استانداری کرمان فعالیت می‌کرد، خاطراتش به نگارش درآمده‌است، اما هرگز از ارتباط احتمالی خود با سازمان جاسوسی شوروی، کا. گ. ب سخنی به میان نمی‌آورد، درحالی‌که در گزارش ساواک در تاریخ ۱۳۵۷/۹/۲۸ در این زمینه آمده‌است که منتصری چه در دوره استانداری کرمان و چه زمانی که به‌عنوان استاد دانشگاه در یکی از دانشگاه‌های فرانسه به تدریس اشتغال داشته، مأمور کا. گ. ب بوده‌است (آریابخشایش، ۱۳۸۵: ۱۷۶-۱۷۷).

البته گزارش ساواک شاید برای محکوم کردن منتصری متقن نباشد، اما انتظار می‌رفت ایشان در کتاب سال‌های خاکستری به برخی از اتهام‌هایی که در مطبوعات و رسانه‌ها به ایشان وارد شد، پاسخ می‌دادند از جمله به مقاله «جاسوسان کا. گ. ب در ایران، استاندار جاسوس» که در فصلنامه مطالعات تاریخی در سال ۱۳۸۵ منتشر شده‌است که این اتفاق نیفتاد.

برخی از اسرای ایرانی نیز هنگام اسارت، به دلیل شکنجه و تحت فشار قرار گرفتن از سوی مأموران عراقی، بارها مجبور به اهانت به سران نظام شده‌اند، اما قریب به اتفاق راویان در روایت‌های خود چنین خاطره‌هایی را بازگو نمی‌کنند. همچنین برخی از کسانی که از اعضای انجمن حجتیه هستند، پس از اعلام نظر امام خمینی درباره این انجمن، فعالیت‌های خود در این انجمن را بازگو نکرده‌اند. این موارد نمونه‌هایی از ابراز گزینشی خاطره است که می‌توانست با پرسشگری یک مصاحبه‌گر آگاه، روایت دقیق‌تری پیش روی مخاطبان قرار بگیرد.

۱-۱-۳. پیری و فراموشی

کیفیت مصاحبه در تاریخ شفاهی تا حدود زیادی به حافظه مصاحبه‌شونده‌ها بازمی‌گردد تا جایی که از آن با عبارتهایی از قبیل ماهیت غیرقابل‌اعتماد نیز یاد کرده‌اند. معمولاً چهره‌های سیاسی و مقامات دولتی، گروه‌های اپوزیسیون و رزمندگان درگیر در عملیات‌های مهم نظامی، به ملاحظات متعدد حاضر نیستند خاطرات خود را در همان زمانی که واقعه در حال رخ دادن است بیان کنند. این مهم بعضاً به سال‌ها و دهه‌های بعد موکول می‌شود. بنابراین طبیعی است که بسیاری از جزئیات و خصوصاً ریز گفت‌وگوها و حوادث از حافظه پاک شود و تنها شبح کلی از واقعیت‌ها در ذهن بماند (یا حسینی، ۱۳۹۴: ۱۸۳). یکی از مشکلات پژوهش‌گران شفاهی مواجهه با سالمندانی است که بسیاری از رخدادها را خوب به یاد نمی‌آورند یا اینکه برجستگی‌های رخدادها برای آن‌ها کم‌رنگ شده‌است. در همین راستا برخی از کتاب‌های خاطره به‌ویژه با محوریت هنرمندان گیلان از این منظر دچار آسیب شده‌است. در کتاب آقای هنر (حقره، ۱۳۹۷) که خاطرات منوچهر ویسانلو را دربر دارد بسیاری از رخدادهای زندگی‌اش در کتاب دیده نمی‌شود، از جمله رخدادهای شهریور ۱۳۲۰

که منجر به اشغال شهر محل زندگی راوی شد. همچنین در کتاب ایستاده در زمان (فیاضی، ۱۳۹۶: ۶۷) بسیاری از رخدادهای پیروزی انقلاب اسلامی در کتاب نیامده است، این در حالی است که راوی از مبارزان تأثیرگذار پیروزی انقلاب در گیلان است.

دانشمندان معتقدند که رخدادهای «همچون وقایع باستان‌شناختی ذخیره می‌شوند؛ یعنی همان‌جا می‌مانند، حتی اگر ردهای دیگر روی آن قرار بگیرند... اما دسترسی به یاد آمدن خاطره‌ها به شدت تحت تأثیر بازگویی این روایت‌هاست» (وینتر و سیوان، ۱۳۸۷: ۶۲). این امر نشان می‌دهد که باید همواره صاحبان خاطره را در معرض بازگویی رویدادها قرار دهیم تا با تمرکز بر بخش‌های کم‌رنگ و پنهان رویدادها، آن‌ها را بهتر به خاطر بیاورند. هرچه از زمان وقوع رخدادهای برای ثبت و ضبط آن فاصله بگیریم فراموشی و تحریف، روایت‌های اصیل را بیشتر تهدید می‌کند.

۱-۲. تحریفات غیرفردی

علاوه بر تحریفات فردی که راوی در ایجاد آن نقش اصلی را ایفا می‌کند، عوامل دیگری به غیر از روایان نیز در به انحراف کشیدن خاطره نقش دارند. در تحریفات غیرفردی صاحبان قدرت و رسانه‌ها، تحولات اجتماعی و سیاسی، مصاحبه‌کنندگان و... با طراحی رخدادهای برعهده می‌گیرند و بر روی کیفیت ابراز آن از سوی خاطره‌مند تأثیر می‌گذارند. برخی از عوامل تحریفات غیرفردی به شرح زیر است.

۱-۲-۱. هدایت خاطرات جمعی به امر غیرواقع

دسته‌ای از خاطرات برای مردم، خاطرات مشترک هستند که مردم یک منطقه، کشور و... آن را به خاطر می‌آورند. «خاطرات جمعی» شامل خاطراتی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و افراد یک گروه اجتماعی در ساخت آن‌ها سهیم هستند. در واقع این خاطرات مشترک، در جزئیات باهم متفاوتند، اما در کل به خاطر اشتراک زیادی که در محتوا و همسویی با یکدیگر دارند از آن به عنوان خاطرات جمعی یاد می‌شود. جامعه‌شناسان می‌گویند: «جامعه‌ها یاد نمی‌گیرند، افراد جامعه یاد می‌گیرند، ولی یادگیریشان آن قدر با یکدیگر همپوشی دارد که بتوانیم به زبان استعاری از یادگیری اجتماعی سخن بگوییم»

(وینتر و سیوان، ۱۳۸۷: ۶۶)، اما چطور می‌شود که یک خاطره به خاطره جمعی تبدیل می‌شود و یک ملت آن را به یاد می‌آورند و بازگو می‌کنند. خاطره جمعی، خاطره همیشگی یک گروه و به یاد آوردن گزینشی و توافق‌شده میان آن گروه. این مفهوم به مجموعه‌ای از حافظه فردی و گروهی اشاره دارد که اتفاق می‌افتد، مشترک می‌شود و می‌گذرد. در واقع این فرد است که به یاد می‌آورد، اما جامعه است که تعیین می‌کند چه چیزی ارزش به یاد آوردن را دارد (شعله، ۱۳۸۵: ۱۷-۲۶).

بسیاری از اقوالی که شهرت ظاهراً تاریخی دارند، معلوم نیست، صحت داشته باشد. مورخ در حوزه تاریخ‌شناختی علمی این است که این اظهارات را به‌عنوان یک پدیدار روایی بشنود و تسلیم مشهورات نشود. خاطره‌نویسی، از نوع بازروایی / بازنمایی، بازگویی است. یعنی رویدادی را که فلانی گفته برای شخص دیگر، آن دیگری رویداد را پردازش می‌کند برای شما. اصل روایت تاریخی همین‌طور شکل می‌گیرد، حتی بافته می‌شود، اضافه می‌شود، جوری که ممکن است با آن چیزی که رخ داده بسیار تفاوت داشته باشد (کمری، ۱۳۹۴: ۱۹۳-۲۰۳).

معمولاً حکومت‌ها با هدایت خاطرات جمعی، جوامع را با خود همسو و دیدگاه آن‌ها را نسبت به خود تملیف می‌کنند. محققان معتقدند: «همه رهبران سیاسی، گذشته را به نفع خودشان دست‌کاری می‌کنند» (وینتر و سیوان، ۱۳۸۷: ۵۰). می‌شود گفت: یکی از دلایل وجوبی خاطرات شفاهی بازتاب دادن آرا مردم عادی است؛ چراکه گمان بر این است که تاریخ را همواره زمامداران نوشته‌اند.

در چند دهه اخیر به‌واسطه بمباران رسانه‌ای، گاهی حتی افراد درگیر یک رخداد، واقعه را آن‌گونه که رسانه‌ها و ابزار قدرت تفسیر می‌کنند، به یاد می‌آورند، چراکه «تأثیرات بیرونی می‌تواند برخی برداشت‌ها یا رخدادها را به‌واسطه آگهی، شست‌وشوی مغزی یا تبلیغات به ما بقبولاند» (وینتر و سیوان، ۱۳۸۷: ۶۱-۶۲). اگر اکنون از قریب به اتفاق کسانی که انقلاب را درک کرده‌اند، پرسید که در روز ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در میدان ژاله چند نفر شهید شده‌اند، قریب به اتفاق مردم آماری بیش از هزار نفر و دو هزار نفر را در ذهنشان نقش می‌بندد، درحالی‌که این آمار بر اساس فرهنگ اعلام شهدا / جامع کل استان‌ها (۱۳۹۷) حدود صد نفر

است، و این نمونه‌ای از یک خاطره جمعی دگرگون شده است.

جنبش جنگل نیز یکی از خاطرات جمعی ما ایرانیان است که اگرچه در حیطه خاطرات شفاهی نمی‌گنجد، اما در دو دوره حکومتی، سرنوشتی متفاوت داشته است. خاطرات جمعی در طول دوره پهلوی به گونه‌ای کدگذاری شده بود که با شنیدن نام میرزا، ذهن مردم به سمت یاغی‌گری و راهزنی برود، نه مبارز آزادی‌خواه. حکومت پهلوی علاوه بر سرکوب و تاراندن اعضای جنبش جنگل از عناصر فرهنگی هم برای هدایت خاطرات جمعی بهره می‌گیرد، چنان که ملک‌الشعراى بهار (۱۲۶۵ - ۱۳۳۰) که ارتباط نزدیکی با دربار دارد، در مذمت جنبش جنگل سروده است:

شد به اقبال شهینشه، ختم کار جنگلی جنگل از خلخال و طارم امن شد تا انزلی
دولت دزدان جنگل، سخت مستعجل فتاد دولت دزدی، بلی باشد بدین مستعجلی

(ملک‌الشعراى بهار، ۱۳۹۴: ۸۶۷)

اما پس از پیروزی انقلاب دوباره کدگذاری‌ها عوض، و میرزا کوچک به عنوان طلبه روحانی و مبارز ضد استبداد و استعمار معرفی می‌شود، همچنین در همان دهه نخست انقلاب با تولید سریال کوچک جنگلی این خاطره جمعی بازتعریف می‌شود، البته در راستای آنچه در تعارض با آمال انقلاب اسلامی نباشد و از ارائه بخش‌هایی خودداری می‌شود، از جمله راه‌اندازی حکومت جمهوری شورایی با مرام سوسیالیستی در گیلان، این رویکردهای سلیقه‌ای نشان‌دهنده نگاه ابزاری به تاریخ است که در نهایت موجب به مسلخ کشیدن جنبش‌های اجتماعی و مردمی می‌شود (پناهی، ۱۴۰۰: ۱۵۳).

در خاطرات شفاهی مردم گیلان ایران، کمتر از مخالفت با جنگ هشت‌ساله ایران با عراق سخن به میان آمده است، این در حالی است که مخالفان این جنگ در کشور ما کم نبودند تا جایی که در گیلان صدها و شاید هزاران نفر از سربازان فراری و غایب دستگیر، و اجباراً به جنگ فرستاده شدند و برخی از آن‌ها نیز به شهادت رسیدند. کتاب ششمین روز سرگردانی (احمدپور، ۱۳۹۵) از معدود کتاب‌هایی است که به زندگی یک سرباز فراری از اهالی گیلان می‌پردازد که به دست دشمن اسیر می‌شود و پس از دو سال و اندی به وطن

بازمی‌گردد. در طول چند دهه اخیر تلاش شده‌است با هدایت خاطرات جمعی به وجهه قدسی جنگ ایران و عراق، روایت مخالفان جنگ شنیده نشود و اغلب روایت ایثار و شجاعت از مبادی رسمی شنیده می‌شود.

۱-۲-۲. سوژه‌ها و موضوعات ممنوعه

از دیگر آفت‌هایی که خاطرات شفاهی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نگاه حذفی به سوژه‌هاست. به‌عنوان مثال «با وجود ارائه داده‌ها و اطلاعات وسیع و گسترده درباره گروه‌ها و شخصیت‌های مبارز در دوران پهلوی و وقایع و رخداد‌های سال‌های نخستین پیروزی انقلاب، برهه‌ها و موضوعات و مطالبی چند از تاریخ مبارزات مسلحانه و چریکی مغفول مانده یا به سکوت برگزار شده‌است» (ابوالحسنی ترقی، ۱۳۹۶: ۴۷). مثلاً اعضای مجاهدین خلق که در پیروزی انقلاب نقش داشتند، به دلیل درگیرهایی که با جمهوری اسلامی پیدا کردند؛ اکنون مجاز به مصاحبه با آنان و شنیدن خاطراتشان نیستیم. این دست ملاحظات همواره بخشی از رخدادها را در محاق باقی می‌گذارد. «مصاحبه تخصصی بدون شائبه‌هایی از قبیل جانب‌داری می‌تواند مورد استفاده طیف گسترده‌ای از محققان قرار بگیرد» (نورایی، ۱۳۸۶: ۱۱۲). در کتاب گزارش به آینده (فیاضی، ۱۳۹۹) که حاوی بیش از سی روایت، از شاهدان عینی و کنش‌گران رخداد‌های مهر ۱۳۵۸ انزلی است تنها با روایانی روبه‌رو هستیم که در جبهه همسو با جمهوری اسلامی ایران قرار دارند و خانواده‌های کسانی که در جبهه مقابل کشته شدند، یا کسانی که خود به‌عنوان کنش‌گر در این رخداد حاضر بودند، بنابر داده‌های مقدمه کتاب، به‌خاطر ایمن ماندن از آسیب‌های احتمالی و... حاضر به مصاحبه نشدند. همین عدم پذیرش مصاحبه از سوی طیف مقابل واقعه مهر انزلی که برعلیه سپاه پاسداران اقدام کرده بودند؛ جای روایت آنان را در کتاب گزارش به آینده به‌طرز مشهودی خالی گذاشته‌است و این اثر را با وجود ارزشمند بودن به چالش می‌کشد، چراکه روایت گروه مقابل، فرصت عرضه پیدا نکرده‌است.

برخی از جبهه‌گیری‌های سیاسی نیز موجب می‌شود افرادی را که در گذشته در برهه‌ای از تاریخ معاصر نقش داشته‌اند، از دایره سوژه حذف کنیم، درحالی‌که از منظر تاریخ، عملکرد سیاسی حال حاضر یک سوژه نباید ملاک مصاحبه و عدم مصاحبه باشد. «ما مکلفیم تا

کادری باز از رخدادهای گذشته... را در اختیار نسل جوان قرار دهیم» (پرلم، ۱۳۹۳: ۱۴۹)، چنانکه تاکنون هیچ‌یک از مبارزان انقلاب و رزمندگانی که مثلاً در جریان‌ات سال ۱۳۸۸ از طیف میرحسین موسوی در گیلان حمایت کرده‌اند، در زمینه خاطرات انقلاب و جنگ با آن‌ها مصاحبه نشده‌است. حذف طیفی از راویان می‌تواند منجر به ناگفته ماندن بخشی از تاریخ یا تحریف آن شود.

۱-۲-۳. حمایت از خاطره‌نگاری‌های خاص

تقریباً همه سازمان‌ها، گروه‌ها و افرادی که به تولید آثار ادب‌پایداری اشتغال دارند، از طرف نهاد قدرت حمایت می‌شوند. وجود رابطه میان آثار ادبی و هنری مرتبط با انقلاب و جنگ و حکومت موجب شده‌است که این آثار صفت «دولتی» بگیرند (بهبودی، ۱۳۹۷: ۲۳۰). از آنجاکه دستگاه‌ها در راستای ایدئولوژی و خواسته‌های دولت حرکت می‌کنند، برخی از جنبه‌های خاطرات شفاهی هنگام مصاحبه از سوی مصاحبه‌گر مطرح نمی‌شود و یا در تدوین به آن پرداخته نمی‌شود. این موضوع می‌تواند یک آسیب جدی در حیطه خاطرات شفاهی باشد. معمولاً هر دولتی ایدئولوژی خاص خود را دارد و در محصولات فرهنگی و دانشی که زیر نظر این دولت یا با هزینه آن تولید می‌شود تا حد زیادی آن ایدئولوژی حضور مستقیم دارد (یا حسینی، ۱۳۹۴: ۱۸۵-۱۸۶).

اگرچه حمایت حکومت از ادب‌پایداری برآمده از یک جنگ تحمیلی، طبیعی است، اما «پیوستگی ادب‌پایداری به حکومت اگر در روند و استمرار خود، نظارت و اعمال سلیقه را پیش آورد، موجب توهمی خطرناک خواهد شد» (بهبودی، ۱۳۹۷: ۲۳۲). در پروسه تاریخ شفاهی انقلاب و دفاع مقدس در کشور و به تبع در گیلان نیز که قریب به اتفاق آثار مربوط به آن توسط دستگاه‌ها و نهادهای دولتی تولید و منتشر می‌شوند، گاهی با آثاری مواجه می‌شویم که با حذف برخی جریان‌ات، زندگی یک شهید یا جانباز را کاملاً دست‌نیافتنی می‌کند.

در کتاب *مجنون شمالی* (سرخیز و شعبانی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۲۵۱) محمد جلالی یکی از رزمندگان باسابقه پس از شرکت در عملیات و تصرف ارتفاعات ژاژیل به گردان حضرت

ابوالفضل (ع) لشکر قدس می‌رود که مجید مرآت فرماندهی آن را برعهده دارد، اما مرآت حاضر به پذیرش جلایی حتی به‌عنوان یک نیروی عادی در گردان نیست، واقعاً چرا در کتاب توضیحی برای این ماجرا نمی‌یابیم. شاید چون پژوهش‌گر حق ندارد دربارهٔ اختلاف دو رزمندهٔ بسیجی که در حد فرماندهٔ گردان در جبهه حضور داشتند و یکی از آن‌ها به شهادت رسیده و دیگری جانباز است، بنویسد. در کتاب هفت ستون نیز وقتی راوی می‌خواهد خبر شهادت ابوالحسن کریمی را بیان کند، می‌گوید: «دیدم صبح داره سخنرانی آقای کریمی رو نشون میده، تعجب کردم. با خودم گفتم: آقا صداوسیما شهید کریمی رو داره نشون میده، خیلی حرفه! چطور اجازه دادن؟! کی اجازه داده؟!...» (عباسی، صدوقی و گلی، ۱۳۹۳: ۷۶).

در این فراز آیا برای مصاحبه‌گر این سؤال پیش نمی‌آید چرا کسی مانند ابوالحسن کریمی که یکی از شهدای نامدار گیلان است، نباید سخنرانی‌اش پخش شود؟ بی‌گمان مصاحبه‌گران نخواستند جزئیاتی از زندگی و به‌ویژه زندانی شدن این شهید آشکار شود. از همین رو تاکنون در کتاب‌های خاطره‌نگاری جز در کتاب به همین سادگی (ره، ۱۴۰۰: ۲۴۳-۲۴۴) به ماجرای زندانی شدن ایشان پس از پیروزی انقلاب اشاره نشده‌است. چون زندانی شدن شخصیتی مثل ابوالحسن کریمی به بخشی از گفتمان انقلاب در بحث خاطره خدشه وارد می‌کند.

«خاطرات جنگ یکی از بنیادهای گفتمان‌ساز نظام کنونی ماست... بنابراین مصالح و منافع و ملاحظات گفتمان موجود ممکن است که به خاطره شکل بدهد و این‌ها را از آن اصالت و بکارت و اصل‌مندی که در زمان زایش می‌توانند داشته باشند دور کند» (کمری، ۱۳۹۴: ۱۱۴-۱۱۵).

اکنون قریب‌به‌اتفاق کتاب‌های خاطرات را دستگاه‌های دولتی سفارش می‌دهند. این حمایت ممکن است منجر به غلبهٔ روایت‌های همسو شود و سایر روایت‌ها که حتی تضادی بنیادی با نظام ندارند، از دور خارج و دایرهٔ روایت‌ها تنگ‌تر شود. بی‌گمان محدود شدن روایت‌ها بخشی از واقعیت را از نظر دور می‌کند، چنان‌که در سه دههٔ گذشته با وجود انتشار بیش از ۱۳۸ عنوان کتاب خاطرات شفاهی با موضوع جنگ (بینش برهمند، ۱۳۹۶) و پژوهش‌های میدانی در زمینهٔ صنعت، اقتصاد، ورزش و... در حیطهٔ خاطرات شفاهی کتابی

منتشر نشده است.

۱-۲-۴. تغییر زمینه و بافت

هر پدیده تاریخی به دلیل مرتبط بودن با عوامل مختلف، همواره می‌تواند دچار تغییر شود. شاید به همین دلیل است که پژوهش‌گران معتقدند تاریخ همواره در اکنون اتفاق می‌افتد. گاهی یک سند جدید یافته‌های مورخان را پیرامون یک مسئله دچار چالش می‌کند. یافته‌های جدید علمی هم ممکن است به تاریخ تشکیک وارد کند. علاوه بر این هر پدیده تاریخی با تغییر زمینه‌های اجتماعی و تاریخی نیز دچار تغییر و دگرگونی می‌شود. برای مثال اغلب، حاکمان یک سلسله جدید، روایتی متضاد و دیگرگونه از رخداد‌های حکومت‌گران سابق دارند، چنان‌که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کمتر پیش آمده است که در کنار بیان ستم‌کاری‌های رضاخان، بازتاب بخشی از فعالیت‌های او در زمینه عمران و آبادی کشور را از مراجع رسمی بشنویم.

اگر به تاریخ پس از انقلاب نگاهی بیندازیم متوجه می‌شویم تا سال ۸۸ تقریباً در ذهن بسیاری از اهل جنگ و جبهه، دولت آقای موسوی، دولت جنگ بوده است، تا این سال نقد به دولت آقای موسوی کمتر دیده می‌شود. منتها بعد از قضایای سال ۸۸ انتقادها و حمله‌ها به مرور علیه دولت زمان جنگ شکل می‌گیرد. این امر نشان‌دهنده همان تفاوت زمینه یا موقعیت/ بافت است (کمری، ۱۳۹۴: ۴۵ - ۴۶).

در حیطه تاریخ شفاهی گیلان نیز تغییر بافت‌ها، روی دیگری از روایت‌ها را نشان می‌دهد. مثلاً در برخی از کتاب‌های خاطره که در گیلان منتشر شده است تا سال ۱۳۹۷ به آیت‌الله قربانی نماینده ولی فقیه انتقادی وارد نبود، اما از سال ۱۳۹۷ به بعد که ایشان از نمایندگی ولی فقیه در گیلان کنار رفت، آرام‌آرام در سایت‌ها، روزنامه‌ها و... انتقاد از ایشان آغاز شد. حمید کامران‌زاده در کتاب به همین سادگی ضمن انتقاد از نحوه اداره شدن دفتر آیت‌الله قربانی، مشکلات به‌وجودآمده بر سر بنگاه‌های اقتصادی مرتبط با دفتر ایشان را نتیجه به‌کارگیری افراد نالایق و آلوده به فساد می‌داند (ره، ۱۴۰۰: ۳۵۶ - ۴۰۰).

یکی از دلایلی که سبب به میان آمدن این حرف‌ها از سوی یک نیروی انقلابی و همسو

با آقای قربانی شده‌است، بی‌گمان تغییر بافت سیاسی میان این نیروها است. اگر قربانی همچنان بر مسند پیشین باقی بود، شاید روایت‌هایی از این دست آشکار نمی‌شد.

۱-۲-۵. زیباسازی در خاطرات با سازوکار ادبیات

یکی از دغدغه‌های اصلی نویسندگان و سفارش‌دهندگان کتاب خاطرات، جذب مخاطب است. این دغدغه سبب شده‌است تا بسیاری از نویسندگان این عرصه به بهانهٔ ایجاد بستر لازم برای درک بهتر متن خاطرات شفاهی توسط مخاطبان، از حیطة امانتداری خارج شده و با شدت و ضعف‌هایی متن را از یک واقعه‌نگاری مستند به یک متن ادبی نزدیک کنند. البته «همین که مورخ قلم به دست می‌گیرد تا واقعه‌ای را ثبت کند، پیوند ادبیات با تاریخ‌نگاری برقرار می‌شود، اما ادبیات و تاریخ همواره بر سر یک دوراهی از یکدیگر جمع می‌شوند. این دوراهی، دوراهی خیال و واقعیت است (سنگاری و نریمانی، ۱۳۹۶: ۹۳) به همین خاطر است که پژوهش‌گران معتقدند: «خاطره را نمی‌توان یکسره در ذیل آثار ادبی محض جای داد، زیرا ویژگی ادبی در خاطره، بالذات نیست و شاکلهٔ آن بر واقعیات خارج از ذهن، یعنی عینیات متکی است» (کمری، ۱۳۸۹: ۷۱). در صورتی که خاطرات وارد حیطة متن ادبی شوند، اصالت خود را از دست خواهند داد و به‌عنوان یک دادهٔ معتبر برای پژوهش‌گران و تاریخ‌نگاران قابل‌استناد نخواهد بود.

متأسفانه به‌دلیل نقش‌آفرینی و دخل و تصرف خارج از قاعده در متن مصاحبه، کتاب‌های مختلف یک نویسنده که روایت آن متعلق به راویان مختلف است از سبک و ویژگی‌های همانندی برخوردارند، درحالی‌که برای اصالت متن و قابل‌استناد بودن رخداد، مصاحبه‌گر باید لحن، تکیه‌کلام و در حد امکان ساختار گفتار راوی را حفظ کند. «بنابراین خاطره در معنای بایسته و راستین آن، اگر از جهت فحوای متن نتواند محل وثوق و اطمینان واقع شود- ولو آنکه شاید، شان شایان ادبی داشته باشد- فاقد اصالت و اهمیت واقعی، تاریخی است و اطلاق نام خاطره بر چنین اثری دور از احتیاط و دقت است» (کمری، ۱۳۸۹: ۷۱).

شهاب احمدپور که در طی چندسال گذشته بیش از هفت اثر در زمینهٔ خاطرات شفاهی جنگ از او منتشر شده‌است، برخی از نوشته‌های او کاملاً فضایی شبیه داستان دارد. در همین رابطه به بخشی از کتاب «سب‌ها برمی‌گردم» خاطرات نعمت‌الله قائدی توجه کنید:

«حالا سی‌ویک سال بعد است. همه چیز فرق کرده. خیلی چیزها، خیلی خاطرات از یادم رفته یا خودم خواسته‌ام که از یادم برود. گفتن اینکه بیا و خاطراتت را تعریف کن، راحت است. اینکه یک نفر بنشیند جلو من و حرف‌هایم را ضبط کند که بعداً از روی‌شان کتاب بنویسد راحت است، اما این خاطرات، برای من نگذشته‌اند! تمام نشده‌اند! جریان دارند! حضور دارند! و هر بار که چیزی می‌گویم... می‌آیند سراغم و مرا می‌برند به صدها کیلومتر دورتر، به عراق» (احمدپور، ۱۳۹۲: ۱۴).

این سطور که نوشته‌های آغازین کتاب است احتمالاً هرگز از دهان راوی خارج نشده، بلکه این استنباط نویسنده از گفته‌های راوی است که مانند سطرهای آغازین یک رمان جذاب خلق شده‌است.

در کتاب «خانه هزار فرسنگ از ما دور بود»، خاطرات محمدرضا نعمتی، اسیر آزادشده ایرانی، که مصاحبه و تدوین آن را رزیتا رجایی به انجام رسانده‌است، سبک نوشتاری نویسنده بر گفتار راوی می‌چربد تا جایی که انگار در حال خواندن یک داستان هستیم نه یک متن مستند واقع‌نگارانه (رجایی، ۱۳۹۲). این‌گونه بازآفرینی‌ها اصالت و درستی تاریخ شفاهی را دچار خدشه می‌کند. این در حالیست که «میزان خلوص و چگونگی سندیت این دسته از اسناد [خاطرات] در نزد مورخان تاریخ دانشگاهی، پیوسته محل تردید و بحث زیاد بوده‌است» (نورایی، ۱۳۸۵: ۱۴۹).

در کتاب *خدا/حافظ چارلی* خاطرات انوش نصر نیز، نویسنده نتوانسته‌است علاقه خود به ادبیات داستانی را پنهان کند و در فرازی از کتاب، متنی با فضای رئالیسم جادویی پیش روی مخاطب قرار می‌دهد: «تلوتلوخوران به ایوان اشکوبه دوم می‌روم. نفسی تازه می‌کنم و به آه و ناله بیماران گوش می‌دهم. دیگر خیلی خسته‌ام و حوصله هیچ‌کس و هیچ‌چیز را ندارم. دلم می‌خواهد فقط بخوابم به پرده مشبک آبی‌رنگ دور ایوان تکیه می‌دهم و سرم را روی کنده‌کاری پرنده‌ای می‌گذارم و با صدای آرام خورده‌شدن چوب به خواب می‌روم... روی ملافه عجیب‌ترین اتفاق ممکن روی می‌دهد. حتی عجیب‌تر از پرواز پیرزن خمره‌سوار. یک موتورسوار در حال حرکت کردن بر سطح پارچه است...» (سلحشوری مهر، ۱۳۹۳: ۲۰). این‌گونه متن‌ها نشان از دلبستگی نویسنده‌گانش به ادبیات دارد تا جایی که نمی‌خواهد سیطره واقعیت را در عالم خاطره بپذیرد و گاهی به عالم خیال پناه می‌برد.

در کتاب آقا کلاه آهنیتو به من می‌دی، با اینکه نویسنده در جای‌جای متن، به خاطره و واقعیت وفادار مانده‌است در سطرهای پایانی کتاب برای افزودن بر جذابیت متن و پایان‌بندی با نثری ادبی کار را به پایان برده‌است. «در ذهنم صدای هوها هوی گاوالش‌ها و بازیگوشی همکلاسی‌هایم را می‌شنیدم. تماشای درخشش آفتاب در دشت‌های شاه شهیدان، کوچ سال‌های کودکی را پیش چشمم می‌آورد. چشمم را می‌بستم و خودم را می‌دیدم که در کنار پدر و مادرم به دروازه‌های قدیمی شاه شهیدان نزدیک می‌شدم، پدرم که می‌دید دستم به زنجیر ورودی نمی‌رسد، بلندم می‌کرد تا بتوانم پارچه‌های نذری آویزان از زنجیر بزرگ را لمس کنم، اما همین که دستم به زنجیر می‌خورد و از شوق چشم باز می‌کردم از آن گذشته خبری نبود...» (علی‌زاده، ۱۳۹۳: ۳۸۳). این علاقه‌مندی به ادبیات داستانی در عناوین برخی از این کتاب‌ها نیز به‌وضوح دیده می‌شود. به جدول زیر توجه کنید.

ردیف	عنوان کتاب	مصاحبه‌گر/ نویسنده	سال انتشار
۱	رودخانه‌های کوچک چپرپر	شهاب احمدپور	۱۳۹۵
۲	وطن سپرده به عشق	میرعمادالدین فیاضی	۱۳۹۲
۳	قدم زدن روی شب	محمد یحیایی	۱۳۹۲
۴	یک سطل آب برای جهنم	مهناز دوستدار	۱۳۹۳
۵	مجنون شمالی	علی‌رضا شعبانی‌نژاد/ کامران سحرخیز	۱۳۹۱
۶	ایستادن زیر مرگ	شهاب احمدپور	۱۳۹۱
۷	نامه‌هایی برای یک سنگ	حسین ادهمی	۱۳۹۴
۸	روزهای بی‌تقویم	میرعمادالدین فیاضی	۱۳۹۲
۹	خداحافظ چارلی	کیوان سلحشوری مهر	۱۳۹۳
۱۰	آقا کلاه آهنیتو به من میدی؟	محمد علی‌زاده	۱۳۹۲

قریب به اتفاق این عناوین، سمت‌وسوی رمان و ادبیات داستانی دارند تا خاطره. عنوان‌هایی که از منظر زیبایی‌شناسی ادبی، قابل توجه‌اند.

در یک گفت‌وگوی مکتوب تاریخ شفاهی هرچند مصاحبه‌شونده را نمی‌بینیم، اما از نحوه حرف‌زدن به شخصیت او پی برده، و متوجه می‌شویم از کجا آمده و دارای چه سیستم فکری است. کما اینکه نحوه صحبت کردن استاد دانشگاه یا یک شخصیت علمی، فرهنگی با شیوه

حرف زدن فردی که دکان دار، کاسب بازاری و فروشنده است، دارای تفاوت‌های بارزی است. گفت‌وگو با هر کدام از این شخصیت‌ها، معرف تیپ فکری و فرهنگی آن‌ها است. بنابراین مصاحبه در قالب متعالی دیالوگ و شکل‌دهی روایت تجربی (وفادار به واقعیت) به احراز و ابراز امر واقع می‌پردازد (کاموس، ۱۳۹۴: ۴۹). ابراز این امر واقع با جملات شاعرانه یکی از چالش‌های اصالت متن است. به همین خاطر است که برخی پژوهش‌گران معتقدند: ادبیات جنگ حسب کارکردهای مدنظر نهادهای تولیدکننده، به تدریج در مسیر غنی‌سازی ادبی، که به قصد تأثیرگذاری افزون‌تر بر مخاطب صورت گرفته و می‌گیرد، از عینیت و تمامیت رویداد فاصله گرفت و میل به تولید گزاره‌های شبه‌اسطوره‌ای آن فزونی یافت» (کمری، ۱۳۹۷: ۴۵۴). چون در این فرایند نمی‌توانیم سره از ناسره را مشخص کنیم و تشخیص بدهیم کجای متن مربوط به راوی است و کجای متن زایدۀ تخیل اوست، بی‌گمان روایت دچار تحریف خواهد شد. البته این متن‌ها اگر ساحت‌شان مشخص شود و در مقدمه به میزان دخل و تصرف آن‌ها اشاره شود، به‌عنوان خاطره‌داستان و... می‌توانند در اختیار خوانندگان قرار گیرند.

نتیجه

بستر و پایه اصلی خاطره بر روایت استوار است و از آنجاکه کنش‌گران و شاهدان عینی یک رویداد، روایتشان بر اساس مصلحت، منافع، طرز تفکر، متغیرهای اجتماعی و ... شکل می‌گیرد، در خاطرات شفاهی و مصاحبه، روایان روایت‌هایی متفاوت از یک رویداد را بیان می‌کنند. این تفاوت‌ها و تضادها می‌تواند به اعتبار روایت خدشه وارد کند. تحریف در خاطرات شفاهی به دو شکل کلی صورت می‌گیرد. در شکل نخست (تحریفات فردی) خود صاحب‌خاطره برای بازتاب دیگرگونه روایت، خواسته و ناخواسته نقش ایفا می‌کند که از جمله آن‌ها می‌توان به ورود تصورات شخصی به خاطره، مبالغه یا کم‌رنگ کردن رخدادها و ابراز گزینشی خاطرات اشاره کرد. همچنین پیری و فراموشی نیز در کیفیت مناسب بیان رویداد تأثیر می‌گذارد، اما در شکل دوم (تحریفات غیرفردی) عوامل بیرونی از جمله صاحبان قدرت و ابزار رسانه که برای هدایت خاطرات جمعی به امر غیرواقع تلاش می‌کنند، نقش تأثیرگذاری در بازمهندسی روایت‌ها دارند. همچنین موضوعاتی که به‌خاطر نگاه خاص

صاحبان قدرت، روایتشان از رویدادها، محلی برای عرضه نمی‌یابد در کنار حمایت از خاطره‌نگاری‌های خاص، سبب پررنگ شدن بخشی از روایت‌ها و درحاشیه ماندن و کمتر شنیده شدن برخی دیگر از روایت‌ها می‌شود. تغییر زمینه و بافت اجتماعی سیاسی نیز موجب بازتاب دیگرگونهٔ روایت‌ها خواهد شد. علاوه‌براین زیباسازی روایت‌ها با سازوکار ادبیات که توسط مورخان شفاهی انجام می‌شود، ممکن است به مخاطبان کتاب‌های خاطره بیفزاید، اما اعتبار تاریخی آن را مخدوش می‌کند. از این رو برای کشف حقیقت، علاوه‌بر انطباق روایت خاطره‌مندان دیگر با روایت مصاحبه‌شونده که در یک رویداد، حاضر، ناظر و یا کنش‌گر بودند، پژوهش‌گر باید از اسناد آرشیوی برای اعتبارسنجی، راستی‌آزمایی و درک درست وقایع تاریخی بهره بگیرد تا خاطرات شفاهی یک شخصیت نزدیک به واقعیت روایت شود.

منابع

کتاب‌ها

- ابوالحسنی ترقی، مهدی (۱۳۹۶). *معرفی، تحلیل و نقد کتاب خاطرات عزت‌شاهی، تدوین در تاریخ شفاهی به کوشش علی ططری*، تهران: کتابخانه و موزه مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- احسانبخش، صادق (۱۳۸۸). *خاطرات صادق*، رشت: صادقین.
- احمدپور، شهاب (۱۳۹۲). *شبه‌هایم را گرفتند*، تهران: سوره مهر.
- احمدپور، شهاب (۱۳۹۵). *ششمین روز سرگردانی*، تهران: سوره مهر.
- امیری، علی (۱۳۹۴). *سال‌های خاکستری*، رشت: فرهنگ ایلیا.
- برنجی، پیمان (۱۳۹۵). *دوباره می‌نوازمت*، رشت: فرهنگ ایلیا.
- بهار، محمدتقی (۱۳۹۴). *دیوان اشعار ملک‌الشعرای بهار*، به کوشش چهرزاد بهار، تهران: توس.
- بهبودی، هدایت‌الله (۱۳۹۷). *ادبیات بایداری و رابطه آن با نهاد قدرت، بویۀ بایداری*، به اهتمام علی‌رضا کمری، تهران: سوره مهر.
- بینش برهمند، محمدرضا (۱۳۹۶). *کتابشناسی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در گیلان*، رشت: سپیدرود.
- پرحلم، محمد (۱۳۹۳). *این کردهای عزیز*، تهران: سوره مهر.
- تاج‌آبادی، رضا و مرادی‌نژاد، امیر (۱۳۹۰). *مروری بر تاریخ شفاهی دفاع مقدس*، به کوشش غلامرضا عزیزی: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- حقره، امین (۱۳۹۷). *آقای هنر*، رشت: فرهنگ ایلیا.
- دهقان، احمد (۱۳۸۹). *خاک و خاطره*، تهران: صریح.
- رجایی، رزیتا (۱۳۹۲). *خانه هزار فرسنگ از ما دور بود*، تهران: سوره مهر.

- ره، نادیا (۱۴۰۰). *به همین سادگی*، رشت: نکوآفرین.
- سحرخیز، کامران و شعبانی‌نژاد، علیرضا (۱۳۹۱). *مجنون شمالی*، رشت: حرف نو.
- سرهنگی، مرتضی (۱۳۹۷). *ادبیات اردوگاهی، بویه پایداری*، به اهتمام علیرضا کمری، تهران: سوره مهر.
- سلحشوری مهر، کیوان (۱۳۹۳). *خدا حافظ چارلی*، تهران: سوره مهر.
- شعله، احمد (۱۳۸۵). *خاطره و جنگ*، رشت: نکوآفرین.
- عباسی، جمشید؛ صدوقی، حمیدرضا و گلی، داود (۱۳۹۳). *هفت ستون*، رشت: حرف نو.
- عزیزی، غلامرضا (۱۴۰۰). *آسیب‌شناسی تاریخ شفاهی: مرزهای خاطره، مجموعه مقالات تاریخ شفاهی دفاع مقدس*، به کوشش غلامرضا عزیزی: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- علی‌زاده، محمد (۱۳۹۳). *آقا کلاه آهنی تو به من میدی*، تهران: سوره مهر.
- فیاضی، میرعمادالدین (۱۳۹۶). *ایستاده در زمان*، تهران: سوره مهر.
- فیاضی، میرعمادالدین (۱۳۹۷). *حسن‌زیباد*، رشت: نکوآفرین.
- فیاضی، میرعمادالدین (۱۳۹۹). *گزارش به آینده*، رشت: نکوآفرین.
- کاموس، مهدی (۱۳۹۴). *مفهوم و ماهیت مصاحبه در تاریخ شفاهی (مصاحبه به مثابه دیالوگ و روایت در قالب مصاحبه)*، مجموعه مقالات مصاحبه در تاریخ شفاهی، تهران: سوره مهر.
- کمری، علی‌رضا (۱۳۸۹). *با یاد خاطره*، تهران: سوره مهر.
- کمری، علیرضا (۱۳۹۴). *پرسمان یاد*، تهران: صریر.
- کمری، علیرضا (۱۳۹۷). *بویه پایداری*، تهران: سوره مهر.
- کونیلن، مریکی، و باربارادلیو، سامر (۱۳۹۲). *راهنمای تاریخ شفاهی*، ترجمه رضا مهاجر، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- معزز، پرنیان (۱۳۸۵). *یادنگاران*، تهران: صریر.

- وینتر، جی، و سیوان، امانوئل (۱۳۸۷). *خاطره و گفتمان جنگ*، مترجم: فرهاد ساسانی، تهران: سوره مهر.
- یاحسینی، قاسم (۱۳۹۴). *مصاحبه و کاستی‌های آن*، مصاحبه در تاریخ شفاهی، تهران: سوره مهر.

مقاله‌ها

- آریابخشایش، یحیی (۱۳۸۵). جاسوسان کا.گ.ب در ایران، استاندار جاسوس، *مطالعات تاریخی*، ۴(۱۵)، ۱۴۳-۱۷۹.
 - پناهی، عباس (۱۴۰۱). نقد و تحلیل رویکردهای ملی‌گرایی و تجزیه‌طلبی در جنبش جنگل، *مطالعات ملی*، ۳۳(۳)، ۱۵۱-۱۶۹.
- DOI: 10.22034/rjnsq.2022.329309.1365
- حسینی، سیدحسین (۱۴۰۲). درنگی بر خاطرات شفاهی گیلان در دهه ۱۳۹۰، *درنگ*، ۱(۱)، ۲۱-۱۵.
 - سنگاری، اسماعیل و نریمانی، مصطفی (۱۳۹۶). تاریخ‌نگاری و تاریخ پژوهشی در تعامل با متون مکتوب ادبی، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۸(۱۵)، ۹۱-۱۱۸.
 - شیرالی، فاطمه و شیخ‌نوری، محمدمامیر (۱۳۹۷). بررسی گرایش سیاسی خاطره‌نگاران ایرانی و تأثیر آن بر روایت تقابل با متفقین در جنگ جهانی اول (با تکیه بر کانون غرب ایران)، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۹(۱۷)، ۱۲۳-۱۵۴.
 - نورایی، مرتضی (۱۳۸۶). درآمدی بر ویراستاری در تاریخ شفاهی، *گنجینه اسناد*، ۱۷(۶۶)، ۱۱۸-۱۰۵.
 - نورایی، مرتضی و ابوالحسنی‌ترقی، مهدی (۱۳۸۹). مقایسه تحلیلی خاطره‌نگاری با تاریخ شفاهی، *گنجینه اسناد*، ۲۰(۸۰)، ۹۶-۱۲۲.
 - نورایی، مرتضی (۱۳۸۵). درآمدی بر پاره‌ای مشکلات نظری و کارکردی تاریخ شفاهی، *گنجینه اسناد*، ۱۶(۶۴)، ۱۴۷-۱۶۳.
 - نیک‌نفس، شفیقه (۱۳۸۳). درباره تاریخ شفاهی، *گنجینه اسناد*، ۱۴(۵۵)، ۴-۷.